



ناز هم باج سیل / ناپاخرین ساعت

ماسکهار ابر دارید

عین موقع هرج ومرج که مبع حیاتی کشور در خطر است... استفاده کلیه اعداد و ارقام... مختلف مشعل چاپین و...

میتن به نخستین جمله... برای شرح این اقدام... که قبل از آن عمل آمده... بریتانیا تکرار کند...

چون سبب فرار و راه پناهندگی... بود. آنها هیچ شکی... که از درباری سفید... لشکرهای درباری...

بعضی که درباری سفید... که در بار بار و بار بار... بود. آنها هیچ شکی... که از درباری سفید...

یگسال جنگ خونین

نتایج آن

یگسال جنگ خونین... نتایج آن... بریتانیا تکرار کند... که از درباری سفید...

معاینه تو همین آمیز

پيام جرج چيبل و كرديهنون و مكنزي كينيگ

چهارده سال... معاینه تو همین آمیز... پیام جرج چيبل و كرديهنون و مكنزي كينيگ...

میتن به نخستین جمله... برای شرح این اقدام... که قبل از آن عمل آمده...

بعضی که درباری سفید... که در بار بار و بار بار... بود. آنها هیچ شکی...

چون سبب فرار و راه پناهندگی... بود. آنها هیچ شکی... که از درباری سفید...

یگسال جنگ خونین

نتایج آن

یگسال جنگ خونین... نتایج آن... بریتانیا تکرار کند... که از درباری سفید...

عین موقع هرج ومرج که مبع حیاتی کشور در خطر است... استفاده کلیه اعداد و ارقام...

میتن به نخستین جمله... برای شرح این اقدام... که قبل از آن عمل آمده...

بعضی که درباری سفید... که در بار بار و بار بار... بود. آنها هیچ شکی...

چون سبب فرار و راه پناهندگی... بود. آنها هیچ شکی... که از درباری سفید...

سرود داد

چون بار دیگر از جوی بیخه
واله گشتم مرا پیش خواند
باز گشت
شما چیز معصوم چه ما و ما
داده ایم
بمعن کلام چطور
آخر وقتی که من نمه بگور
رای آنها غل کرده اید کرده که
بخوان خدا نیست
سراسیمه گفتم چطور
بعداً چگونه ممکن است
سپس با خود انباشتم که راستی
در این نمه از نما گمانی نیست
کوچکترین اشرفی هم شده است
بدان چگونه این امر رخ داده اگر
مستندی چنان فقهی از من میخواست
شاید هم بعد از بی آن می گشتم
می یافتم

اول از من بپرسید که چطور
از این نمه از مغرب نشوید
بگمان من تا فقه ای بیانی رسیده باشد
میوان داست که خدا در آن هست یا
نیست. ویرا اگر چه پیش از او گاه
بیشتر شاهد شده و حتی پیش از او
ای که دنبال آخرین کلمات فقه میانه
باز ممکن است از خدا پاد شود
من سری میانه اول الفصحی
که دیگر گوی میبورد گفتم
آیا دیگر از این آواز میباید
روسی چیزی میباید. مردم مانده و
گفتم - اراله. آیا بهتر شوری که
خدا گفتگو کنیم

بروی میباید که میباید جهان را
از آمدن هیبتی جان بخش
این بیان و همچنین تاجی که
دولتان و دانشگن حامل گردیدشان
میباید که رشته های دوش و اندام
میان کشورهای شوری و انگلیس و
آمریکا روز میکنند میباید
معلوم میگرد که جهان از ارمقیت
ارتش سرخ شوری و متفکران و سیاستگر
و همچنین از اینها معلوم میباشند
صحت سیاست خارجی دولت شوری که
دائماً در مدد است مسلمان دوسته
خود را با انگلیس و امریکاییان ملل
آزاد هم آرومی اساس و پایه میسوی
مرا در مدد از طرف ملل دیگر
نایب شده است
ملل شوری پایه مسلمان خود را
املا دیگر جهان برای سر بر شست
عاشقگران هنتری و بیرون کردن آنها
از خاک شوری و بدست آوردن کمال
مطلوب که ملل آزادخواه جهان

استر الیا یکی دیگر از رزادخانه های دمو کراسی

این حکایت مربوط به تئودور است
مرور هیچ لشکر و هیچ تانک بود
تروی هوایی حیوانات بود
مگر آنکه کارخانه ها و کارخان
همه را آید که حیوانات دور از
این روزها مرغان نایب
در این مسافه مقیم بود
و همچنان استر الیا بی دروغ
فرار گرفته است. فراردهای کنور
شوروی کار می کند و علاج
جانی هستند. در این مسافه
ایران صید کرده که کاشین

دا سازه
برای آنکه معصوم و بی
استر الیا بی دروغ و بی
معنی معصومان یعنی استر الیا
مفاتی گران های که در مسافه
معصومان برای آنکه خوب
اعضای این معصومان برای شاد
که دیگر ربه که از در تانک
فرار گشته استر الیا علاج
استر الیا فرار کرده است و
فل از این موقع در این مسافه
صافی وجود داشته
در دو کمال یکی از آن که
بموردت هر چه خورده معصومان
در این شمش فولاد استخراج
تعمیر زود شده که اوله که
آن وقت اوله که در مسافه
از معصومان برای آنکه از
در حالیکه در وقت شام
استر الیا چیزی کرده بود
معصوم بیرون میباید
در وقت معصومی فقط ۱۲
کارگر در مسافه فولاد سازی
مشغول کار بودند و در آن
زمانی آورده است. در سال ۱۹۱۸
برای آنکه در میدان جنگ
که لازم بود که چهار
اورا تهیه کند که در آن
برای این همه لازم است
گفته استر الیا معصومی فولاد
سازی مقدار زیادی از معصومان
که در تولید اسلحه و غنای
جانی دارند از آن کارخانه
بیکر یو کلمبرگ که آن
روزهای آن دور گری
نیکه با فل کت کار می کند
های سازه از آن روزها
یک سلسله صنایع دوره
و کشور سیه استر الیا
تعمیر و معصومان دره
سیم سفت و میباید
گرفت که همین کالاهای
هوا پیمای و کشتی
شاید استر الیا
در مسافه استر الیا معصومان

و برود جانی که دیگر
معصومان بود خود
ولی معصومی باستان که
باید برود و وقتی
داده است معصومی
لا کتیم
این تریب جانی
دفعه در آنجا
چون بی گفتم
از این سوال
گفت ملاک
گفتم معصومان
بریده صدای
گفتم کین
گفت آه
مردمان با
مرخص شوم
نصر میباید
کردیم - زمانی
این معصومی
دفعه در آنجا
چون بی گفتم
از این سوال
گفت ملاک
گفتم معصومان
بریده صدای
گفتم کین
گفت آه
مردمان با
مرخص شوم
نصر میباید
کردیم - زمانی
این معصومی

اروپا در پنجم فصل پنجم

ملت لیسان محکوم شد
پس از آن که از سوی
آن هر دو گرفت. حتی از
اعتد چنانچه در شان
از آن هر دو گرفت. حتی از
اعتد چنانچه در شان
از آن هر دو گرفت. حتی از
اعتد چنانچه در شان

پس از آن که از سوی
آن هر دو گرفت. حتی از
اعتد چنانچه در شان
از آن هر دو گرفت. حتی از
اعتد چنانچه در شان
از آن هر دو گرفت. حتی از
اعتد چنانچه در شان
از آن هر دو گرفت. حتی از
اعتد چنانچه در شان

پس از آن که از سوی
آن هر دو گرفت. حتی از
اعتد چنانچه در شان
از آن هر دو گرفت. حتی از
اعتد چنانچه در شان
از آن هر دو گرفت. حتی از
اعتد چنانچه در شان
از آن هر دو گرفت. حتی از
اعتد چنانچه در شان

یک جو خسر باز

این اواخر هم در کربلا
و صحت زندان خو کرده بود
معصومان و زندان هیچگونه
سختی داشت از دین من
گفتم که خوب شد
راستر بودند و با یون
توزار بی شری که
بصادی شده شده و
جواب داد. با این
سفرها مرض میباید
من با تردید پرسیدم
گفتم بر برای
غیر از راست گمان
علا میباید
سروشک و شاید
خری برای یک
زمانی میباید

و برود جانی که دیگر
معصومان بود خود
ولی معصومی باستان که
باید برود و وقتی
داده است معصومی
لا کتیم
این تریب جانی
دفعه در آنجا
چون بی گفتم
از این سوال
گفت ملاک
گفتم معصومان
بریده صدای
گفتم کین
گفت آه
مردمان با
مرخص شوم
نصر میباید
کردیم - زمانی
این معصومی

پس از آن که از سوی
آن هر دو گرفت. حتی از
اعتد چنانچه در شان
از آن هر دو گرفت. حتی از
اعتد چنانچه در شان
از آن هر دو گرفت. حتی از
اعتد چنانچه در شان
از آن هر دو گرفت. حتی از
اعتد چنانچه در شان

